



Research paper

The Mediating Role of Negative Affect Regulation in the Relationship Between Parenting Styles and Students' Depression Symptoms

Ayoub Ghasemi ¹; Hashem Jebraeili ²; Kamran Yazdanbakhsh ³

Abstract

The prevalence and experience of depression among adolescents and the impact of family factors formed the basis of the present study. This study examined the relationship between parenting styles and depressive symptoms with the mediating role of negative affect regulation. A sample of 300 adolescents from the 20th -20th academic year filled out the short form of the affect Regulation Questionnaire, the Depression Questionnaire, and the Parenting Questionnaire using cluster random sampling. The results of the path analysis showed that authoritative and permissive styles indirectly affect depressive symptoms through negative affect regulation. The most direct effect was related to the authoritative style on depressive symptoms and the most indirect effect was related to the authoritative style through negative affect regulation on depression. The authoritative style indirectly reduces depressive symptoms and the permissive style indirectly increases depressive symptoms. Affect regulation training and awareness about parenting styles can help reduce depression in adolescents. Affect regulation training and awareness of parenting styles can help reduce depression in adolescents.

Keywords: Negative affect regulation, parenting styles, depressive symptoms, adolescents.

¹ Master of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

² Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran h.jebraeili@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های افسردگی دانش‌آموزان

ایوب قاسمی^۱، هاشم جبرائیلی*^۲، کامران یزدانبخش^۳

چکیده

شیوع و تجربه افسردگی در میان نوجوانان و تأثیر عوامل خانوادگی هدف پژوهش حاضر را پایه‌ریزی نمود. این پژوهش ارتباط سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های افسردگی با نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی را مورد بررسی قرار داد. نمونه‌ای به تعداد ۳۰۰ نفر از نوجوانان سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای فرم کوتاه پرسشنامه تنظیم عاطفه، پرسشنامه افسردگی و پرسشنامه فرزندپروری را پر کردند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که سبک‌های مقتدرانه و سهل‌گیرانه به‌طور غیرمستقیم از طریق تنظیم عاطفه منفی بر نشانه‌های افسردگی تأثیرگذار هستند. بیش‌ترین اثر مستقیم مربوط به سبک مقتدرانه بر نشانه‌های افسردگی و بیش‌ترین اثر غیرمستقیم مربوط به سبک مقتدرانه از طریق تنظیم عاطفه منفی بر افسردگی بود. سبک مقتدرانه به‌طور غیرمستقیم، نشانه‌های افسردگی را کاهش و سبک سهل‌گیرانه به‌طور غیرمستقیم، نشانه‌های افسردگی را افزایش می‌دهد. آموزش تنظیم عواطف و آگاهی‌بخشی درباره سبک‌های فرزندپروری می‌تواند به کاهش افسردگی در نوجوانان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم عاطفه منفی، سبک‌های فرزندپروری، علائم افسردگی، نوجوانان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

^۲ نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. h.jebraeili@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

نوجوانی دوره گذار از کودکی به بزرگسالی (گابریل^۱ و همکاران، ۲۰۲۱) و تغییر و تحول در زمینه بیولوژیکی، فیزیکی، روانی و اجتماعی است که مصادف با سال‌های متوسطه مدرسه است (میراندا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). این دوره، بحرانی‌ترین دوره برای سازگاری و شکل‌گیری شخصیت است (سیژوفسکا^۳، ۲۰۲۲). این مرحله از رشد با تهدیدهایی همراه است که بر سلامت روان نوجوانان تأثیرگذار است (بادلر^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از شایع‌ترین مشکلات روان‌شناختی در دوره نوجوانی افسردگی است (دالزگارد^۵ و همکاران، ۲۰۲۱) افسردگی از شایع‌ترین اختلالات روانی است که در آن ابعاد عاطفی، شناختی و پاسخ‌های فیزیولوژیکی درگیر می‌باشد. این اختلال بعد از بیماری‌های قلبی، شایع‌ترین بیماری با شیوع ۵ تا ۸ درصد است (کریمی و همکاران، ۲۰۲۰) که عملکرد فرد را در خانواده و اجتماع مختل می‌کند (بشارپور^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). هر چند چالش‌های دوران نوجوانی طبیعی به نظر می‌رسد، اما بیشتر مطالعات بر کاهش مشکلات روان‌شناختی آنها متمرکز هستند (ژنگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۱) و با توجه به این که نوجوان از نظر رشدی در سن مهمی قرار دارد سلامت روان او یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده سلامت روانی در بزرگسالی است؛ لذا توجه ویژه‌ای را می‌طلبد (اوربن^۸ و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از پیش‌بین‌های افسردگی نوجوانان، سبک‌های فرزندپروری می‌باشد (رحیمی و همکاران، ۲۰۲۲). سبک فرزندپروری مجموعه‌ای از رفتارهای تعیین‌کننده ارتباط‌های متقابل والد فرزند در موقعیت‌های متفاوت می‌باشد (فونسیکا^۹ و همکاران، ۲۰۲۰). سبک‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین، شیوه رفتار آنها با فرزندان و محیط عاطفی که در آن رفتار میکنند، مشخص می‌شود (اوزاسلان^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲). بامریند (۱۹۷۱) به سه سبک فرزندپروری (سبک اقتدارطلب، سبک مستبدانه و سبک سهل‌گیرانه) اشاره کرد. اندازه‌ای که والدین مطالبه‌گر و پاسخگو هستند، سبک آنها را نشان می‌دهد. دو نظریه پذیرش-رد بین فردی^{۱۱} (IPAR) و نظریه سیستم‌های خانواده^{۱۲} (FST) نشان می‌دهند که سبک‌های والدینی بر سلامت روان نوجوانان تأثیر دارند (پنگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱). والدین سبک مقتدرانه تقاضا و پاسخگویی بالایی دارند، برای فرزندان خود محدودیت تعیین می‌کنند و برای این کار دلایلی ارائه می‌دهند. فرزندان این سبک از نظر اجتماعی مسئول هستند و تنظیم عاطفه بالاتری دارند (آدراتی^{۱۴} و موتولانی، ۲۰۲۰). فرزندان سبک مقتدرانه معمولاً از لحاظ کارآمدی و مسئولیت‌پذیری در سطح

1. Gabriel
2. Miranda
3. Czyżowska
4. Budler
5. Dalsgaard
6. Basharpour
7. Zheng
8. Orben
9. Fonseca
10. Özaslan
11. Interpersonal Acceptance-Rejection Theory
12. Family System Theory
13. peng
14. Adernati

بالتر و تنظیم عاطفه بالاتری دارند (گوآگوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). در سبک مستبدانه که با کنترل بالا و پاسخگویی کم همراه است، فرزندان گوشه‌گیر و فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند که می‌تواند زمینه مشکلات سلامت روان در بزرگسالی را پیش‌بینی کند (باتز^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). در سبک مستبدانه؛ والدین سختگیر، منضبط، انتظار پیروی کامل، خواسته زیاد، اما غیر پاسخگو هستند و سعی در ایجاد نگرش کودک با معیارهای خود دارند و در سبک سهل‌گیرانه، والدین سطح بالای پاسخ دارند و برای نشان دادن عشق به فرزند تسلیم خواسته‌های او شده و در جریان تربیت، منفعل عمل می‌کنند (فاطیما و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین سبک سهل‌گیرانه که با پذیرش بالا و کنترل پایین مشخص می‌شود، فرزندان بیشتر در معرض مشکلات سلامت روان قرار می‌گیرند (اونساندو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). در سبک مقتدرانه، والدین دارای تعادل در پاسخگویی، انصاف در تنبیه، انعطاف‌پذیر، خونگرم اما محکم و اهل مناظره با نوجوانان هستند (فاطیما و همکاران، ۲۰۲۱). طی تحقیقات سبک مقتدرانه مطلوب‌ترین پیامدها را دارد و طرد، گرمای عاطفی کم و محافظت بیش از حد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده افسردگی باشد (هوانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۲).

عواطف از جنبه‌های رفتار انسان است که به یک حالت احساسی ذهنی اشاره دارد که هم خلق و هم احساسات را دربرمی‌گیرد (هی و وانگ^۵، ۲۰۲۲). عاطفه مثبت شامل حالت‌های عاطفی شادی، شور و اشتیاق و اعتماد به نفس، اما عاطفه منفی یک بُعد از ناراحتی درونی است که شامل حالت‌های عاطفی ترس، غم، خشم، حسادت، گناه و شرم است (سرور^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین عاطفه منفی، بُعدی از هیجان ذهنی است که نوعی تجربه ناخوشایند به حساب می‌آید (ژو^۷ و همکاران، ۲۰۲۲). عاطفه منفی، شروع اختلال افسردگی را سال‌ها بعد پیش‌بینی می‌کند (ویلیامز^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). عواطف منفی که در ایجاد و تداوم اختلالات روانی نقش دارند (یوسفی، ۲۰۱۵)، متأثر از سبک فرزندپروری والدین هستند (ژو^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). بر اساس تحقیقات سبک مقتدرانه مؤثر در جلوگیری از افسردگی و سبک استبدادی و سهل‌گیرانه موجب افسردگی می‌شود (جانا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین بین سبک فرزندپروری مستبدانه و علائم افسردگی همبستگی مثبت وجود دارد (کلومک^{۱۱} و کورن، ۲۰۲۱). سبک فرزندپروری مثبت با علائم افسردگی کمتر و سبک فرزندپروری منفی با علائم افسردگی بیشتر ارتباط دارد (کایزر^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۰). عاطفه منفی با افسردگی همبستگی مثبت دارد (گارسیا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۲) و به‌عنوان پیش بین افسردگی به‌کار رفته است (لوین^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۲). تحریفات شناختی می‌تواند باعث عواطف منفی شود که نگرش فرد

1. Goagoses
2. Bates
3. Onsando
4. Huang
5. He and wong
6. Sarwar
7. Zhou
8. Williams
9. Zhou
10. Jana
11. Klomek
12. Koren
13. Kaiser
14. Garcia
15. Levin

۱۰..... نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های...

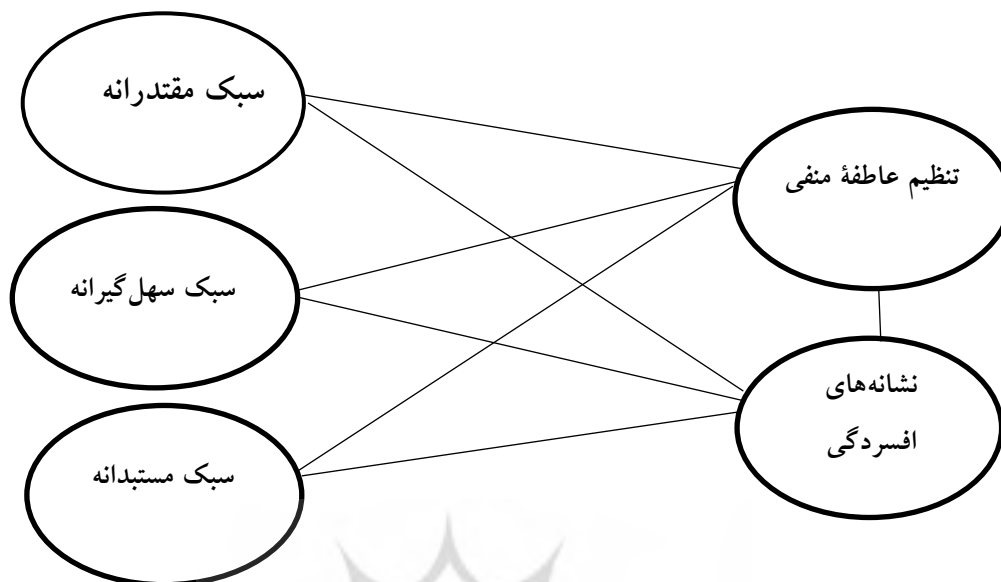
را منفی کرده و تنظیم نامناسب عواطف، نوجوانان را در معرض افسردگی قرار دهد (طارق^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). طبق نظریهٔ بک و طرحواره‌های ناکارآمدی، تنظیم نکردن عاطفه منجر به افسردگی می‌شود. نشخوار فکری فرد را دچار عواطف ناخوشایندی می‌کند که افسردگی را پیش‌بینی می‌کند (هارالسون و لاتون،^۲ ۲۰۲۲). محبت و عاطفه کم والدین، افسردگی را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند (بارتک^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). عاطفه منفی نقش زیادی در ایجاد و گسترش افسردگی دارد (مصطفی‌زاده و شیلا،^۴ ۲۰۲۰). همچنین افسردگی و عاطفه منفی می‌توانند ارتباط مستقیم داشته باشند (گارسیا^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). سبک تربیتی والدین ارتباط نزدیکی با عواطف و تأثیر بسزایی در رشد فردی دارد (سالاورا^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). سبک مقتدرانه، تنظیم عاطفه و سبک مستبدانه، عدم تنظیم عاطفه را پیش‌بینی می‌کند (پیرک^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین سبک مقتدرانه تأثیر مثبت، سبک والدگری سهل‌گیرانه تأثیر منفی بر تنظیم عاطفه دارند، اما سبک مستبدانه تأثیری بر تنظیم عاطفه ندارد. همچنین سبک سهل‌گیرانه، تجارب عاطفه منفی را افزایش می‌دهد پس می‌توان نتیجه گرفت که سبک فرزندپروری می‌تواند عاطفه منفی را پیش‌بینی کند (ژو^۸ همکاران، ۲۰۲۲). روابط نامناسب والدین با فرزند منجر به تجربهٔ عاطفه منفی شده و نوجوانان را در برابر خطر افسردگی قرار می‌دهد (لی^۹ و همکاران، ۲۰۲۳). دوران نوجوانی سال‌های مناسبی برای شناخت مشکلات فرد، مداخله به موقع و پیشگیری از مشکلات عاطفی، اجتماعی آینده است. با توجه به افزایش غم و اندوه، خشم و حسادت در نوجوانان امروزی و تأثیرات منفی آن بر سلامت روان آنها، بررسی این متغیر افزون بر پر کردن خلأ پژوهشی در این زمینه می‌تواند کمکی برای والدین جهت سبک فرزندپروری درست و به تبع آن تنظیم عاطفه منفی و محافظت از بروز نشانه‌های افسردگی شود. نتایج این پژوهش برای مداخله‌های روان‌شناختی مؤثر بر کاهش افسردگی نوجوانان تلویحات مهمی دارد. این راهکارها با تمرکز بر تنظیم عاطفه منفی نوجوانان، در کاهش نشانه‌های افسردگی مؤثرتر خواهند بود. با توجه به تأثیرات سبک فرزندپروری، تنظیم عاطفه و نشانه‌های افسردگی در آینده نوجوانان و همچنین اینکه تنظیم عاطفه به‌عنوان میانجی بین سبک فرزندپروری و نشانه‌های افسردگی به کار برده نشده است، پژوهش حاضر به دنبال این پاسخ است که آیا تنظیم عاطفه منفی نقش میانجی بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های افسردگی نوجوانان را دارد؟ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این پژوهش با فرضیه‌های زیر هدایت شد:

۱. سبک‌های فرزندپروری تأثیر مستقیمی بر نشانه‌های افسردگی نوجوانان دارند.
۲. سبک‌های فرزندپروری تأثیر مستقیمی بر تنظیم عاطفه منفی نوجوانان دارند.
۳. تنظیم عاطفه منفی تأثیر مستقیمی بر نشانه‌های افسردگی نوجوانان دارد.
۴. سبک‌های فرزندپروری تأثیر غیرمستقیمی از طریق تنظیم عاطفه منفی بر نشانه‌های افسردگی نوجوانان دارند.

1. Tariq
2. Haralson and Lawton
3. Bartek
4. Mustafazadeh and Sheila
5. Garcia
6. Salavara
7. Pirc
8. Zhou
9. Li

بر اساس چارچوب نظری پژوهش و یافته‌های پیشین، مدل مفهومی پژوهش مطابق شکل شماره ۱ ترسیم شده است.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و در قالب الگوی معادلات ساختاری از نوع تحلیل مسیر بود. در پژوهش حاضر، متغیر ملاک نشانه‌های افسردگی، متغیر پیش بین سبک‌های فرزندپروری و متغیر میانجی تنظیم عاطفه منفی بود. جامعه آماری شامل تمام نوجوانان دوره متوسطه شهر هرسین (۱۷۲۸ نفر) کشور ایران بودند که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. بنا بر نظر گادانگولی و لیسر (۱۹۸۸) حجم نمونه در رویکرد الگویابی و تحلیل مسیر ۳۰۰ و بیشتر از آن ضروری است که در پژوهش حاضر ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین صورت با گرفتن تأییدیه از آموزش و پرورش، از بین ۱۲ مدرسه متوسطه پسرانه شهر هرسین دو مدرسه متوسطه اول و دو مدرسه متوسطه دوم به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شد. معیارهای حضور در پژوهش دامنه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال، زندگی با والدین و داشتن رضایت والدین بود. معیارهای عدم انتخاب، شامل داشتن اختلال روانپزشکی یا وضعیت پزشکی حاد، بهره‌گیری از درمان‌های روانشناختی و روانپزشکی و تجربه تروما در شش ماه گذشته و تکمیل ناقص پرسشنامه بود. شیوه بررسی معیارهای ورود و خروج از طریق مشاهده مستقیم، پرسش شفاهی و پرونده پزشکی بود. نسبت حجم نمونه به جامعه ۰/۱۷ بود. روش نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه بود و پرسشنامه‌ها تنها در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که مایل به پر کردن آنها بودند و در نهایت بر محرمانه بودن اطلاعات آنها تأکید شد و شرکت‌کنندگان مختار بودند که در جریان

۱۲..... نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های...

اجرا از ادامه تکمیل پرسشنامه انصراف دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS انجام شد.

ابزار

پرسشنامه افسردگی کودکان و نوجوانان کوکس (CDI): کوکس^۱ در سال ۱۹۸۵ پرسشنامه افسردگی طرح نمود که برای کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ سال مناسب می‌باشد. این پرسشنامه ۲۷ گویه و هر گویه شامل سه جمله است که از ۰ تا ۲ نمره‌گذاری می‌گردد که صفر به معنای نبود نشانه افسردگی، ۱ به معنای نشانه متوسط و ۲ به معنای نشانه آشکار افسردگی محسوب می‌شود. دامنه نمرات از صفر تا ۵۴ است، نقطه برش و تشخیص افراد افسرده نمره بالاتر از ۱۸ است. ۰ تا ۸ سالم - ۹ تا ۱۹ علائم افسردگی ولی بدون اختلال افسردگی و ۲۰ بالاتر برجسب افسردگی می‌خورد و هر چه بیشتر باشد میزان افسردگی نیز بیشتر خواهد بود. همچنین این پرسشنامه اندازه‌گیری پنج خرده‌مقیاس فقدان لذت^۲، خلق منفی^۳، ناکارآمدی^۴، مشکلات بین فردی^۵ و عزت نفس منفی^۶ را برعهده دارد. روایی همزمان آن با درجه‌بندی درمانگران از میزان افسردگی ۰/۶۰٪ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد (کوکس، ۱۹۸۵). در ایران نتایج پژوهش‌های دهشیری و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که اعتبار بازآزمایی و همسانی درونی این پرسشنامه به ترتیب برابر ۰/۸۲ و ۰/۸۳ هست، استوار و رضویه^۷ (۱۳۸۲) روایی و اگرایی این پرسشنامه را از طریق همبستگی آن با مقیاس اضطراب اجتماعی برای نوجوانان برابر با ۰/۳۵ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ برای نشانه‌های افسردگی برابر با ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری^۸ دیانا بامریند (PSI): این پرسشنامه ۳۰ گویه‌ای سه سطحی در سال ۱۹۷۱ توسط بامریند طراحی گردید که هر سبک ۱۰ گویه و بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (نمره صفر=کاملاً مخالف، نمره ۱=مخالف، نمره ۲=نه مخالف و نه موافق، نمره ۳=موافق، نمره ۴=کاملاً موافق) مشخص می‌گردد. همچنین این پرسشنامه دارای ۳ خرده‌مقیاس (سهل‌گیرانه- مقتدرانه- مستبدانه) می‌باشد که با جمع نمره‌ها، سه نمره مجزا برای هر خرده‌مقیاس به دست می‌آید که بالاترین نمره در هر خرده‌مقیاس، نشانگر آن سبک می‌باشد. بامریند میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۸۵، مقتدرانه ۰/۹۲ و سبک مستبدانه ۰/۹۲ به دست آورد. بوری (۱۹۹۱)، برای بررسی روایی از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که سبک مستبدانه رابطه منفی با سبک سهل‌گیرانه و سبک مقتدرانه دارد، سبک سهل‌گیرانه رابطه معناداری با سبک مقتدرانه نداشت، میزان اعتبار این مقیاس ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ به دست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴). اسفندیاری پایایی این پرسشنامه را برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ به دست آورد. حسینی دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی

1. Maria Quacks
2. Lack of pleasure
3. negative mood
4. inefficiency
5. interpersonal problems
6. negative self-esteem
7. Astwar and Razavieh
8. Parenting styles

اکتشافی ساختار سه عاملی آن را تأیید کرده‌اند. بر اساس مطالعه آنها سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه ۴۵/۱ درصد، سبک مستبدانه ۴۱/۷ درصد و سبک مقتدرانه ۴۴/۱ درصد کل واریانس مقیاس فرزندپروری را تبیین می‌کند. پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵، ۰/۷۶ و ۰/۷۸ به‌دست آمد.

فرم کوتاه پرسشنامه انسجام عاطفه مثبت و منفی^۱ سولباکن و مونسن^۲ (۲۰۲۱): فرم کوتاه پرسشنامه انسجام عاطفه: این مقیاس فرم ۴۲ گویه‌ای است که شامل عبارات درک، آگاهی، تحمل و تجربه نه عاطفه مجزای علاقه^۳، لذت^۴، ترس^۵، خشم^۶، شرم^۷، غمگینی^۸، حسادت^۹، گناه^{۱۰} و دلسوزی^{۱۱} است. گویه‌ها به‌صورتی تعبیه شدند که هم سطوح تجربه انطباقی و هم ابراز انطباقی عواطف را دربرگیرند. بنابراین نحوه‌ای را که پاسخ‌دهنده معمولاً هر عاطفه را تجربه یا ابراز می‌کند، توصیف می‌کنند. ۲۲ گویه برای سنجش توانایی تجربه انطباقی عواطف و ۲۰ گویه برای سنجش توانایی ابراز انطباقی عواطف در نظر گرفته شدند که هرگویه روی یک مقیاس لیکرت ۱۰ درجه‌ای از اصلاً شامل نمی‌شود یا «کاملاً مخالفم» (۰) تا کاملاً تناسب دارد یا «کاملاً موافقم» (۹) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات به‌دست آمده از این پرسشنامه در سه سطح قرار می‌گیرد: سطح اول شامل میانگین نمرات تمام گویه است که نمره کل انسجام عاطفه را به‌دست می‌دهد، سطح دوم شامل میانگین ۲۲ نمره که مربوط به تجربه عواطف و ۲۰ گویه مربوط به ابراز عواطف است که به ترتیب دو نمره تجربه عاطفه^{۱۲} و ابراز عاطفه^{۱۳} را به‌دست می‌دهد؛ و سطح سوم میانگین نمرات گویه‌های مربوط به ۹ عاطفه است که ۹ نمره مجزا (یک نمره برای هر عاطفه) به‌دست می‌دهد (سولباکن و مونسن^{۱۴}، ۲۰۲۱). این پرسشنامه در کشور توسط (جبرائیلی و همکاران، ۲۰۲۴) ترجمه و هنجاریابی شده است. در این پژوهش (جبرائیلی و همکاران، ۲۰۲۴) همسانی درونی تجربه و ابراز هیجان به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۵ و همسانی درونی کل پرسشنامه ۰/۸۹ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به‌دست آمد. با توجه به اینکه این پرسشنامه به منظور سنجش آگاهی، درک، تحمل و تجربه عواطف مختلف ساخته شده و زمانی که سؤالات مربوط به عواطف منفی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، نمره به‌دست‌آمده در مقابل انسجام عاطفه منفی، به معنای عدم انسجام عاطفه منفی یا ناآگاهی، درک، تحمل و تجربه مناسب عواطف منفی است (جبرائیلی و همکاران، ۲۰۲۴)، همچنین در پژوهش حاضر تنها از سؤالات مربوط به عاطفه منفی استفاده شده است.

1. Short Form of Positive and Negative Affect Coherence Questionnaire
2. Solbakken and Monsen
3. Interest
4. pleasure
5. fear
6. anger
7. shame
8. sadness
9. jealousy
10. guilt
11. compassion
12. Emotional experience
13. Expressing emotion
14. Solbakken and
15. Monsen

یافته‌ها

پیش از انجام تحلیل نهایی به غربالگری داده‌ها پرداخته شد و داده‌های پرت تک‌متغیره با نمودار جعبه‌ای و داده‌های پرت چندمتغیره با فاصله ماهالانوبیس شناسایی و اصلاح شدند. در این پژوهش رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک تحلیل مسیر S آزمون شد و همچنین روابط میانجی‌گری با روش بوت استرایپینگ (۵۰۰ تکرار) ارزیابی شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد ($p \leq 0/05$). از نظر ویژگی‌های زمینه‌ای، پایه تحصیلی دانش‌آموزان از هفتم تا یازدهم بود که ۳۰ نفر (۱۰٪) در پایه هفتم، ۶۰ نفر (۲۰٪) در پایه هشتم، ۵۹ نفر (۱۹/۷٪) در پایه نهم، ۱۰۰ نفر (۳۳/۳٪) در پایه دهم و ۵۱ نفر (۱۷٪) در پایه یازدهم مشغول تحصیل بودند. میانگین سن پاسخگویان ۱۵/۱۹ سال با انحراف استاندارد ۱/۲۷ سال بود که دامنه سنی از حداقل ۱۲ تا حداکثر ۱۷ سال بود. میانگین معدل دانش‌آموزان مقدار ۱۸/۲۱ با انحراف استاندارد ۱/۵۱ بود. در جدول شماره ۱ آماره‌های توصیفی متغیرها و همبستگی بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون آمده است.

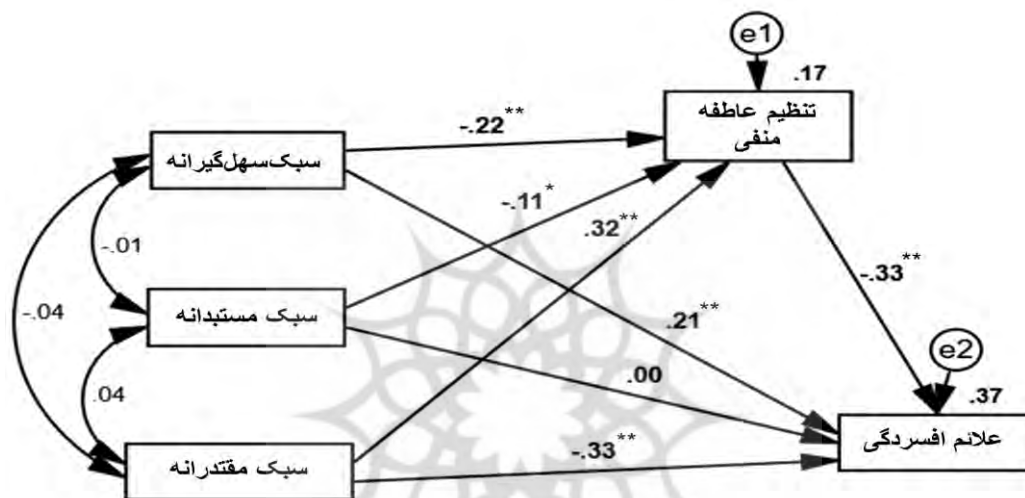
مطابق نتایج جدول شماره ۱، نرمال بودن تک‌متغیره با شاخص‌های کجی و کشیدگی بررسی شد و چون مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه ۲+ تا ۲- به دست آمد نشان از نرمال بودن توزیع تک‌متغیره داشت. نرمال بودن چندمتغیره با ضریب مردیا بررسی شد که مقدار به دست آمده برابر با ۲/۶۸ بود که بر اساس معیار ۵ برای ضریب مردیا (2010, Byrne) می‌توان نتیجه گرفت که مفروضه نرمال بودن چندمتغیره برقرار بود. نتایج آزمون همبستگی (جدول ۱) نشان داد رابطه معناداری بین سبک سهل‌گیرانه، سبک مقتدرانه و تنظیم عاطفی منفی با علائم افسردگی مشاهده شد ($p < 0/05$). بین سبک مستبدانه و علائم افسردگی رابطه‌ای مشاهده نشد ($p > 0/05$). جهت رابطه سبک سهل‌گیرانه با علائم افسردگی رابطه‌ای مثبت بود و جهت رابطه بین سبک مقتدرانه و تنظیم عاطفه منفی با علائم افسردگی، رابطه‌ای منفی بود. قوی‌ترین همبستگی با علائم افسردگی به ترتیب مربوط به عاطفه منفی با ضریب ۰/۴۸-، سبک مقتدرانه با ضریب ۰/۴۵- و سبک سهل‌گیرانه با ضریب ۰/۳۰ بود. بررسی مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه نشان داد مقادیر عامل تورم واریانس در تمامی موارد کمتر از ۵ بود که نشان از برقرار بودن مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه داشت. شکل شماره ۱ مدل تجربی در حالت ضرایب استاندارد است و سطح معناداری با علامت ستاره مشخص شده است.

جدول شماره ۱. آزمون همبستگی پیرسون به همراه آماره‌های توصیفی و بررسی مفروضه هم‌خطی با شاخص عامل تورم واریانس

متغیرها	سبک سهل‌گیرانه	سبک مستبدانه	سبک مقتدرانه	تنظیم عاطفه منفی	علائم افسردگی	تورم واریانس (VIF)
سبک سهل‌گیرانه	۱					۱/۰۵
سبک مستبدانه	-۰/۰۱	۱				۱/۰۱
سبک مقتدرانه	-۰/۰۴	۰/۰۴	۱			۱/۱۱
تنظیم عاطفه منفی	-۰/۲۲**	-۰/۱۲*	۰/۳۱**	۱		۱/۱۷

علائم افسردگی	۰/۳۰**	۰/۰۶	-۰/۴۵**	-۰/۴۸**	۱
میانگین	۱۸/۴۵	۱۸/۷۳	۲۷/۵۱	۱۴۲/۸۹	۱۶/۷۴
انحراف معیار	۶/۹۲	۶/۰۸	۷/۷۷	۲۸/۵۹	۸/۰۸
کجی	۰/۳۴	۰/۲۲	-۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۲۷
کشیدگی	۰/۰۵	۰/۰۲	۱/۵۳	۰/۲۹	۰/۵۴

شکل شماره ۱ نشان داد شش مسیر از مجموع هفت مسیر تأیید شد. تأثیر سبک استبدادی بر علائم افسردگی تأیید نشد، اما دیگر روابط معنادار بود. شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره ۲ آمده است.



شکل شماره ۱. مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد (**= $p < 0.01$ و *= $p < 0.05$)

جدول ۲ نشان داد که در مدل تجربی تمامی شاخص‌های برازش مقدار متوسط یا مطلوبی دارند. دو شاخص برازش CFI و IFI مقدار متوسطی دارند و سایر شاخص‌های برازش مقدار مطلوبی دارند که نشان داد کلیت مدل تأیید شد و داده‌ها با مدل مفهومی تطابق داشتند. ضریب تعیین متغیر وابسته علائم افسردگی برابر با ۰/۳۷ بود که مقدار قابل قبولی بود؛ چون بیشتر از مقدار متوسط ۰/۳۳ بود. بر این اساس متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و تنظیم عاطفه منفی توانستند ۳۷ درصد از واریانس علائم افسردگی را تبیین کنند.

جدول شماره ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	R ²	PGFI	IFI	NFI	CFI	GFI	RMSEA	Chi square/df
معیار*	> ۰/۳۳	> ۰/۷۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۰۸	در بازه ۱ تا ۵
نتیجه	۰/۳۷	۰/۷۵	۰/۸۶	۰/۹۱	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۰۶۶	۳/۴۷

یافته‌ها (جدول شماره ۳) نشان داد که تأثیر مستقیم سبک سهل‌گیرانه و سبک مقتدرانه بر علائم افسردگی تأیید شد ($p < 0.05$). تأثیر متغیر میانجی تنظیم عاطفه منفی بر علائم افسردگی نیز تأیید شد ($p < 0.05$). تأثیر مستقیم سبک مستبدانه بر علائم افسردگی

۱۶..... نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های...

تأیید نشد ($p > 0/05$). نتایج نشان داد هر سه سبک فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر متغیر میانجی تنظیم عاطفه منفی اثر معناداری داشتند ($p < 0/05$). جهت تأثیر سبک سهل‌گیرانه بر علائم افسردگی، مثبت بود و جهت تأثیر سبک مقتدرانه و تنظیم عاطفه منفی بر علائم افسردگی، منفی بود.

جدول شماره ۳. نتایج بررسی اثرات مستقیم بر اساس نتایج آزمون تحلیل مسیر

مقدار p	مقدار t	خطای		نوع تأثیر
		استاندارد	ضریب غیراستاندارد	
<0/001	-۴/۰۸	۰/۲۱۲	-۰/۸۶	سبک سهل‌گیرانه -> تنظیم عاطفه منفی
۰/۰۳۸	-۲/۰۷	۰/۲۴۱	-۰/۵۰	سبک مستبدانه -> تنظیم عاطفه منفی
<0/001	۶/۱۳	۰/۱۸۹	۱/۱۶	سبک مقتدرانه -> تنظیم عاطفه منفی
<0/001	۴/۴۵	۰/۰۵۵	۰/۲۴	سبک سهل‌گیرانه -> علائم افسردگی
۰/۹۷۷	۰/۰۳	۰/۰۶۱	۰/۰۱	سبک مستبدانه -> علائم افسردگی
<0/001	-۶/۸۶	۰/۰۵۱	-۰/۳۵	سبک مقتدرانه -> علائم افسردگی
<0/001	-۶/۵۳	۰/۰۱۵	۰/۱۰	تنظیم عاطفه منفی -> علائم افسردگی

یافته‌ها (جدول شماره ۴) نشان داد که نقش میانجی‌گری تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین دو سبک فرزندپروری سبک سهل‌گیرانه و مقتدرانه با علائم افسردگی تأیید شد ($p < 0/05$)، اما نقش میانجی‌گری تنظیم عاطفه منفی در رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه و علائم افسردگی تأیید نشد ($p > 0/05$). در مجموع یافته‌ها نشان داد سبک مستبدانه اثر مستقیم یا غیرمستقیم بر علائم افسردگی نداشت اما دو سبک فرزندپروری سبک سهل‌گیرانه و مقتدرانه هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم بر علائم افسردگی تأثیرگذار بودند. شدت اثر کل (مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم) سبک سهل‌گیرانه بر علائم افسردگی برابر با ۰/۲۸۱، سبک مستبدانه برابر با ۰/۰۴۶ و سبک مقتدرانه برابر با ۰/۴۳۶ بود و نشان داد سبک مقتدرانه بیشترین تأثیر را بر علائم افسردگی داشت.

جدول شماره ۴. نتایج بوت استرپینگ میانجی‌گری تنظیم عاطفه منفی در رابطه سبک‌های فرزندپروری با علائم افسردگی

مقدار p	مقدار t	خطای استاندارد		نوع تأثیر
		اثر غیرمستقیم	خطای استاندارد	
<0/001	۳/۹۴	۰/۰۱۸	۰/۰۷۱	سبک سهل‌گیرانه -> تنظیم عاطفه منفی -> علائم افسردگی
۰/۰۷۱	۱/۸۱	۰/۰۲۰	۰/۰۳۶	سبک مستبدانه -> تنظیم عاطفه منفی -> علائم افسردگی
<0/001	-۴/۶۱	۰/۰۲۳	-۰/۱۰۶	سبک مقتدرانه -> تنظیم عاطفه منفی -> علائم افسردگی

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های افسردگی در نوجوانان دوره متوسطه بود، که نتایج حاکی از معناداری آن بود. مهم ترین یافته پژوهش مؤید این است که سبک مقتدرانه، رابطه منفی با نشانه‌های افسردگی دارد. این یافته هماهنگ با نظریه پذیرش بین فردی و نظریه سیستم‌های خانواده، با نتایج پژوهش‌های یوشی هوانگ و همکاران (۲۰۲۲)، جانا و همکاران (۲۰۲۲)، کلومک و کورن (۲۰۲۱)، کایزر و همکاران (۲۰۲۰)، همسوست. این تئوری منجر به شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی سالم و بهبود سلامت روان نوجوانان می‌شود. در تبیین این نتیجه، نمایش آشکار محبت والدین، سلامت روان، یک محیط دموکراتیک و گرمای عاطفی را به همراه دارد. سبک مقتدرانه تأثیر مثبت را بر سلامت روانی دارد. فرزندان سبک مقتدرانه معمولاً از لحاظ کارآمدی و مسئولیت‌پذیری در سطح بالاتر و از نظر تنظیم عاطفه پایداری بیشتری دارند، بنابراین می‌توانند از علائم افسردگی در امان باشند (گوآگوس و همکاران، ۲۰۲۳). یافته دوم مؤید این است که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه مثبت با نشانه‌های افسردگی دارد. این یافته هماهنگ با نظریه طرد بین فردی و فقدان محبت در نظریه تأثیر مراقب، با نتایج یوشی هوانگ و همکاران (۲۰۲۲)، جانا و همکاران (۲۰۲۲)، کایزر و همکاران (۲۰۲۰)، همسوست. در تبیین این نتیجه، طرد مکرر احتمال افسردگی را در نوجوانان افزایش می‌دهد و منجر به ایجاد فضای ناسالم در خانواده می‌گردد که از عوامل مشکلات روان‌شناختی از جمله افسردگی است. تحلیل مدل رابطه بین سبک فرزندپروری، افسردگی و روابط با همسالان، نتایج نشان داد که بعد طرد فرزندپروری، گرمای عاطفی را کاهش و افسردگی را پیش‌بینی می‌کند (رونر و لانسفورد، ۲۰۱۷).

در پژوهش حاضر تأثیر سبک مستبدانه بر نشانه‌های افسردگی تأیید نشد. نتیجه به‌دست‌آمده با پژوهش رحیمی و همکاران (۲۰۲۲)، همسو و با نتایج یوشی هوانگ و همکاران (۲۰۲۲)، جانا و همکاران (۲۰۲۲)، کلومک و کورن (۲۰۲۱)، کایزر و همکاران (۲۰۲۰) نا همسو بود. در تبیین این نتیجه، قابل ذکر است که عواملی مانند تأثیر منفی کمتر سبک مستبدانه در این منطقه، پذیرفته شدن سبک مستبدانه به عنوان سبک مناسب فرزندپروری و عدم آگاهی از تفاوت سبک فرزندپروری و مستبدانه و مفید دانستن سبک مستبدانه باعث رد فرضیه حاضر شده است.

نتایج فرضیه دوم مؤید این بود که تنظیم عاطفه منفی با نشانه‌های افسردگی رابطه منفی دارد. این یافته هماهنگ با نظریه اسناد و نظریه شناختی-عاطفی، با نتایج پژوهش‌های هارالسون و لاتون (۲۰۲۲)، بارتک و همکاران (۲۰۲۱)، مصطفی‌زاده و شیلا (۲۰۲۰)، همسوست. عواطف منفی نگرش فرد را به خود، آینده و دنیا منفی کرده و تداوم این حالت می‌تواند باعث افسردگی شود. افرادی که عواطف منفی قوی را تجربه می‌کنند، معمولاً پریشانی روان‌شناختی بالاتری را تجربه می‌کنند. افرادی که دارای عاطفه منفی بیشتر هستند، احتمالاً پاسخ‌های شناختی مانند فکر کردن را در پاسخ به استرس به کار می‌گیرند که از طریق نشخوار فکری عاطفه منفی بالاتری را در پاسخ به رویدادهای استرس‌زا پیش‌بینی می‌کند. در واقع اگر فرد توانایی تنظیم عواطف خود را نداشته باشد، این دور باطل ادامه پیدا می‌کند و فرد را دچار عواطف ناخوشایندی می‌کند که باعث افسردگی می‌شود (بورنوالوا و همکاران، ۲۰۱۱).

۱۸..... نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های...

نتایج فرضیه سوم مؤید این بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت با تنظیم عاطفه منفی دارد. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های پیرک و همکاران (۲۰۲۳)، گواگوس و همکاران (۲۰۲۲)، سالورا و همکاران (۲۰۲۲)، همسوست. در تبیین نتیجه، والدین سبک مقتدرانه از گرمای عاطفی و پاسخگویی مناسب برخوردارند، بنابراین آنها احساس امنیت، تجربه عاطفه منفی کمتر، درک عاطفی، مهارت‌های تنظیم عواطف و درک اجتماعی را برای فرزند فراهم می‌آورند (گواگوس و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با تنظیم عاطفه منفی رابطه منفی دارد. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های دی گیونتا و همکاران (۲۰۲۲)، سالورا و همکاران (۲۰۲۲)، ژو همکاران (۲۰۲۲)، همسوست. در تبیین نتیجه، سبک سهل‌گیرانه با عدم توجه کافی به رفتارهای منفی و مثبت فرزند، احساس عدم امنیت، انفعال و طرد شدن، نوجوان را متمایل به عدم ثبات عاطفی، افزایش عاطفه منفی و عزت نفس پایین می‌کند و مشکلاتی مانند خشم، ترس و موارد مشابه که نمونه بارز عواطف منفی هستند، را به‌وجود می‌آورد. (دی گیونتا و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین تأثیر سبک مستبدانه بر عاطفه منفی تأیید نشد. نتیجه به‌دست‌آمده با پژوهش یوشی هوانگ و همکاران (۲۰۲۲) ناهمسو بود. در تبیین این نتیجه، قابل ذکر است که عواملی مانند تأثیر منفی کمتر سبک مستبدانه در این منطقه، پذیرفته شدن سبک مستبدانه به‌عنوان سبک مناسب فرزندپروری و عدم آگاهی از تفاوت سبک مقتدرانه و مستبدانه و مفید دانستن سبک مستبدانه باعث رد فرضیه حاضر شده است مهم‌ترین یافته این پژوهش این بود که سبک مقتدرانه به‌طور غیرمستقیم از طریق تنظیم کردن عاطفه منفی، نشانه‌های افسردگی را در نوجوانان کاهش می‌دهد. همچنین سبک سهل‌گیرانه از طریق کاهش تنظیم عاطفه منفی موجب افزایش نشانه‌های افسردگی می‌شود. عملکرد صحیح والدین در کنار افزایش پاسخگویی عاطفی مناسب باعث افزایش پیوند عاطفی و تنظیم عواطف می‌شود که به موجب آن افسردگی کاهش پیدا می‌کند؛ اما اگر والدین کارکرد نامناسبی داشته باشد، نقش حمایتی والدین کاهش و در نتیجه در درازمدت بر روابط بین والد - فرزند تأثیر گذاشته و فرزندان دچار حس تنهایی میشوند که این احساس تنهایی منجر به تجربه عاطفه منفی شده و نوجوانان را در برابر خطر افسردگی قرار می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به دشواری تنظیم عواطف به‌عنوان مکانیزمی برای افسردگی دانش‌آموزان و نقش کارکرد والدین به‌عنوان نقش مهم در آن، می‌توان با افزایش تنظیم عواطف در دوران کودکی، شایع‌ترین علل علائم افسردگی دانش‌آموزان را کاهش داد. طبق نظریه بک، طرح‌واره‌های ناکارآمدی تا زمانی که در معرض استرس قرار نگیرند، پنهان می‌مانند. اگر نوجوانان با استرس دست و پنجه نرم کنند، طرح‌واره‌های ناکارآمدی ایجاد شده در دوران کودکی در این دوره فعال می‌شود و فرد توانایی تنظیم عواطف را از دست می‌دهد و با تنظیم نامناسب عواطف، می‌تواند به افسردگی مبتلا شود (طارق و همکاران، ۲۰۲۳). در نهایت تنظیم عاطفه منفی به‌عنوان میانجی بین تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر نشانه‌های افسردگی نوجوانان عمل می‌کند.

محدودیت‌های این پژوهش اینکه در یک شهر انجام و صرفاً بر گزارش خود نوجوان تکیه شده است. احتمال اینکه برداشت‌های نوجوانان از فرزندپروری والدین با آنچه واقعاً در خانواده‌ها تجربه می‌شود، متفاوت باشد. همچنین تأثیر خواهر و برادر به‌عنوان عضوی از خانواده و محیط نامناسب زندگی می‌تواند بر نتیجه پژوهش تأثیرگذار باشد. با گزارش‌های والدین و همچنین لحاظ کردن عوامل دیگر از جمله خواهر و برادر و محیط زندگی می‌توان عمق تحقیق را بیشتر کرد. مدارس محفلی را بنا نهند که

آگاهی والدین در مورد تأثیر سبک‌های فرزندپروری برای جلوگیری از خطرات سلامت روان ناشی از عدم تنظیم عاطفه منفی، بالا رود. کارگاه‌های آموزش تنظیم عواطف برای افزایش آگاهی نوجوانان برگزار شود.

تشکر و قدردانی: بدین وسیله از همکاری‌های ریاست آموزش و پرورش، مدیر، مشاور، معلمان استان کرمانشاه و تمامی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش که در اجرا و انجام پژوهش ما را یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

حمایت مالی: این مطالعه بدون حمایت مالی نهاد خاصی انجام گرفته است.

منابع

- استوار، صغری و رضویه، اصغر. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اضطراب اجتماعی برای نوجوانان (SAS-A) جهت استفاده در ایران. *فصلنامه علمی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۳ (شماره ۱۲)، ۶۹-۷۸.
- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان. پایان‌نامه. فوق لیسانس، *انستیتو روانپزشکی تهران*.
- دهشیری، غلامرضا، نجفی، محمود، شیخی، منصوره و حبیبی عسگرآباد، مجتبی. (۱۳۸۸). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه افسردگی کودکان (CDI). *خانواده پژوهی*، ۵ (۲)، ۱۵۹-۱۷۷.
- رجبی، غلامرضا، و عطاری، یوسفعلی. (۱۳۸۳). تحلیل عاملی سؤال‌های پرسشنامه افسردگی کودکان و نوجوانان. *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳ (۹-۱۰)، ۸۳-۱۰۲. <https://sid.ir/paper/69986/fa>
- رحیمی، علی، مرادی، آسیه و کرمی، جهانگیر. (۱۴۰۲). رابطه سبک‌های والدینی و نشانه‌های افسردگی با میانجی‌گری انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی نوجوانان. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۹ (۲)، ۷-۲۲. <https://doi.org/10.22051/psy.2023.43157.2766>
- کریمی، ص (۱۳۸۱). *هنجاربایی، پایایی، روایی و تحلیل پرسشنامه افسردگی کوکس CDI در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی - دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان*.
- کریمی، الناز، محمدی، نوراله و رحیمی، چنگیز. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر شفقت خود بر خودانتقادگری و اجتناب شناختی رفتاری در نوجوانان افسرده. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۱ (۴)، ۲۳-۳۲. doi: 10.22075/jcp.2020.18969.1752
- مصطفی‌زاده، شیدا. (۲۰۲۰). بررسی تأثیر باورهای فراشناختی و عاطفه منفی بر افسردگی. *آفاق علوم انسانی*، ۴۲ (۴)، ۱۷-۳۱. <https://civilica.com/doc/1556228/>
- Adernati, R. A., & Taivo Motalani, W. (2020). Parenting Styles as Correlates of Rebellious Behavior.
- Bartek, M. E., Zainal, N. H., & Newman, M. G. (2021). Individuals' marital instability mediates the association of their perceived childhood parental affection predicting adulthood depression across 18 years. *Journal Of Affective Disorders*, 291, 235-242. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.04.091>
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1p2), 1.
- Basharpoor s, ahmadi s, molavi p, heidari f. Comparing the absolute power of brain waves in the frontal area among people with major depressive disorder, obsessive-compulsive disorder and normal. *The Neuroscience Journal of Shefaye Khatam*. 2021; 9 (3): 45-54. <http://dx.doi.org/10.52547/shefa.9.3.45>
- Bates, L., Somoray, K., & Lennon, A. (2020). Parenting style, young driver compliance and the imposition of additional driving restrictions within graduated driver licensing systems. *Accident Analysis & Prevention*, 144, 105619. <https://doi.org/10.1016/j.aap.2020.105619> h

- Budler, L. C., & Stiglic, G. (2023). Age, quality of life and mental well-being in adolescent population: a network model tree analysis. *Scientific Reports*, 13, 17667. <https://doi.org/10.1038/s41598-023-44493-w>
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13
- Clark, L. A., & Watson, D. (1991). Tripartite model of anxiety and depression: psychometric evidence and taxonomic implications. *Journal of Abnormal Psychology*, 100(3), 316. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0021-843X.100.3.316>
- Clark, M. S., Jansen, K. L., & Cloy, J. A. (2012). Treatment of childhood and adolescent depression. *American Family Physician*, 86(5), 442-448.
- Czyżowska N. (2022). Identity processing style and meaning in life among emerging adults: mediational role of commitment. *International Journal of Environmental Research And Public Health*, 19(11), 6585. URL: <https://doi.org/10.3390/ijerph19116585>
- Dalsgaard, S., Thorsteinsson, E., Trabjerg, B. B., Schullehner, J., Plana-Ripoll, O., Brikell, I., ... & Pedersen, C. B. (2020). Incidence rates and cumulative incidences of the full spectrum of diagnosed mental disorders in childhood and adolescence. *JAMA Psychiatry*, 77(2), 155-164. <https://doi.org/10.1001/jamapsychiatry.2019.3523>
- Dehshiri, Gholamreza, Najafi, Mahmoud, Sheikhi, Mansoureh, and Habibi-Asgarabad, Mojtaba. (2009). Preliminary study of the psychometric properties of the Children's Depression Inventory (CDI). *Family Studies*, 5(2), ۱۵۹-۱۷۷. (Text in Persian)
- Di Giunta, L., Lunetti, C., GlioZZo, G., Rothenberg, W. A., Lansford, J. E., Eisenberg, N., ... & Virzì, A. T. (2022). Negative parenting, adolescents' emotion regulation, self-efficacy in emotion regulation, and psychological adjustment. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(4), 2251. <https://doi.org/10.3390/ijerph19042251>
- Esfandiari, Gholamreza (1995) *Studying the parenting styles of mothers of children with behavioural disorders and mothers of normal children and the effect of mothers' education on children's behavioural disorders*. Thesis. Master's degree, *Tehran Psychiatric Institute*. (Text in Persian)
- Estavar, Sughri and Razavieh, Asghar. (2013). Investigating the psychometric properties of the Social Anxiety Scale for Adolescents (SAS-A) for use in Iran. *Quarterly Journal of Psychological Methods And Models*, 3(No. 12), 69-78. (Text in Persian)
- Fatima, Z., Kaur, B., Kamran, T., & Aftab, R. (2021). Relationship between Grit and Parenting Style of mother among rural adolescents of Indian Origin. <http://dx.doi.org/10.20944/preprints202105.0732.v1>
- Fonseca, A., Moreira, H., & Canavarro, M. C. (2020). Uncovering the links between parenting stress and parenting styles: The role of psychological flexibility within parenting and global psychological flexibility. *Journal Of Contextual Behavioral Science*, 18, 59-67. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2020.08.004>
- Gabriel, E. T., Oberger, R., Schmoeger, M., Deckert, M., Vockh, S., Auff, E., & Willinger, U. (2021). Cognitive and affective theory of mind in adolescence: Developmental aspects and associated

- neuropsychological variables. *Psychological Research*, 85(2), 533-553.
[URL:https://doi.org/10.1007/s00426-019-01263-6](https://doi.org/10.1007/s00426-019-01263-6)
- Gladstone, T., Terrizzi, D., Stinson, A., Nidetz, J., Canel, J., Ching, E.,... & Van Voorhees, B. W. (2018). Effect of internet-based cognitive behavioral humanistic and interpersonal training vs internet-based general health education on adolescent depression in primary care: a randomized clinical trial. *JAMA Netw Open*. 2018 Nov; 1 (7): pii: e184278. doi: 10.1001/jamanetworkopen.2018.4278.<https://doi.org/10.1186/s13063-015-0705-2>
- Goagoses, N., Bolz, T., Eilts, J., Schipper, N., Schuetz, J., Rademacher, A.,... & Koglin, U. (2023). Parenting dimensions/styles and emotion dysregulation in childhood and adolescence: a systematic review and Meta-analysis. *Current Psychology*, 42(22), 18798-18822.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s12144-022-03037-7>
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1988). Relation of sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2), 265. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0033-2909.103.2.265>
- Hankin, B. L. (2006). *Adolescent Depression: Description, causes, and interventions*. *Epilepsy & Behavior*, 8(1), 102-114. <https://doi.org/10.1016/j.yebeh.2005.10.012>
- Hankin, B. L. (2015). Depression from childhood through adolescence: Risk mechanisms across multiple systems and levels of analysis. *Current Opinion In Psychology*, 4, 13-20 <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2015.01.003>
- Hankin, B. L., Fraley, R. C., & Abela, J. R. (2005). Daily depression and cognitions about stress: evidence for a traitlike depressogenic cognitive style and the prediction of depressive symptoms in a prospective daily diary study. *Journal Of Personality and Social Psychology*, 88(4), 673 <https://doi.org/10.1037/0022-3514.88.4.673>
- Harralson, T. L., & Lawton, M. P. (2022). Salience of positive and negative affect in the recognition of depression among elderly persons. *Dialogues In Clinical Neuroscience* <https://doi.org/10.31887/DCNS.1999.1.2/tharralson>
- He, W. J., & Wong, W. C. (2022). Affective state contributes to creative self-efficacy: Evidence from an experimental study of emotion induction. *Thinking Skills And Creativity*, 45, 101061. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2022.101061>
- Huang, C. Y., Cheah, C. S., Lamb, M. E., & Zhou, N. (2017). Associations between parenting styles and perceived child effortful control within Chinese families in the United States, the United Kingdom, and Taiwan. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 48(6), 795-812 <https://doi.org/10.1177/0022022117706108>
- Jannah, K., Hastuti, D., & Riany, Y. E. (2022). Parenting style and depression among students: The mediating role of self-esteem. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, 7(1), 39-50 <https://doi.org/10.21580/pjpp.v7i1.9885>
- Jebraeili, H., Sadafi, A. and Rafiee, S. (2024). Investigating the mediating role of affect integration in the relationship between adverse childhood experiences and adulthood aggressive behaviors. *Fundamentals of Mental Health*, 26(5), 291-297. <https://doi.org/10.22038/JFMH.2024.76565.3101>

- Jorm, A. F., Dear, K. B. G., Rodgers, B., & Christensen, H. (2003). Interaction between mother's and father's affection as a risk factor for anxiety and depression symptoms: Evidence for increased risk in adults who rate their father as having been more affectionate than their mother. *Social Psychiatry And Psychiatric Epidemiology*, 38, 173-179. <https://doi.org/10.1007/s00127-003-0620-9>
- Karimi, Mohammadi, Noorallah, Rahimi, Changiz. (2020). The effectiveness of self-compassion-based group training on self-criticism and cognitive-behavioral avoidance in depressed adolescents. *Clinical Psychology*, 11(4), 23-32 <https://doi.org/10.22075/jcp.2020.18969.1752> (Text in Persian)
- Karimi, p. 2002. Normative assessment, reliability, validity and analysis of the CDI Coax Depression Questionnaire in middle school students in Isfahan city. *Master's thesis in Psychology - Faculty of Postgraduate Studies, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan*. (Text in Persian)
- Keijsers, R., Olofsdotter, S., Nilsson, K. W., & Åslund, C. (2020). The influence of parenting styles and parental depression on adolescent depressive symptoms: A cross-sectional and longitudinal approach. *Mental Health & Prevention*, 20, 200193 <https://doi.org/10.1016/j.mhp.2020.200193>
- Klomek, A. B., & Koren, K. (2021). The Moderating Role of Parenting Styles in Adolescents' Bullying and Depression. *Adolescent Psychiatry*, 11(1), 25-34 <https://doi.org/10.2174/2210676611666210526112502>
- Li, M., Wang, J., Ma, P., Sun, W., Gong, H., & Gao, Y. (2023). The relationship between harsh parenting and adolescent depression. *Scientific reports*, 13(1), 20647. <https://doi.org/10.1038/s41598-023-48138-w>
- Lewinsohn, P. M., Petit, J. W., Joiner Jr, T. E., & Seeley, J. R. (2003). The symptomatic expression of major depressive disorder in adolescents and young adults. *Journal Of Abnormal Psychology*, 112(2), 244. <https://doi.org/10.1037/0021-843x.112.2.244>
- Miranda, V. P., Amorim, P. R. S., Bastos, R. R., Souza, V. G., Faria, E. R., Franceschini, S. C., Teixeira, P. C., Morais, N. de S. de, & Priore, S. E. (2021). Body image disorders associated with lifestyle and body composition of female adolescents. *Public Health Nutrition*, 24(1), 95–105. <https://doi.org/10.1017/s1368980019004786>
- Mostafazadeh, Shila. (2020). Investigating the effect of metacognitive beliefs and negative affect on depression. *Horizons Of Human Sciences*, 42(4), 17-31. (Text in Persian)
- Onsando, E., Mwenje, M. K., & Githui, P. (2021). The influence of parenting style on male juvenile delinquency: A case of Kamiti Youth Correction and Training Center (KYCTC), Kiambu County, Kenya. *European Journal Of Humanities And Social Sciences*, 1(3), 21-29. <https://doi.org/10.24018/ejsocial.2021.1.3.44>
- Orben, A., Tomova, L., & Blakemore, S.-J. (2020). The effects of social deprivation on adolescent development and mental health. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 4(8), 634-640 doi: 10.1016/S2352-4642(20)30186-3. [https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(20\)30186-3](https://doi.org/10.1016/S2352-4642(20)30186-3)
- Özaslan, A., Yıldırım, M., Güney, E., Güzel, H. Ş., & İşeri, E. (2022). Association between problematic internet use, quality of parent-adolescents relationship, conflicts, and mental health problems.

- International Journal of Mental Health and Addiction*, 20(4), 2503-2519.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11469-021-00529-8>
- Peltz, J. S., Rogge, R. D., Bodenlos, J. S., Kingery, J. N., & Pigeon, W. R. (2020). Changes in psychological inflexibility as a potential mediator of longitudinal links between college students' sleep problems and depressive symptoms. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 15, 110-122. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2019.12.003>
- Peng, B., Hu, N., Yu, H., Xiao, H., & Luo, J. (2021). Parenting style and adolescent mental health: The chain mediating effects of self-esteem and psychological inflexibility. *Frontiers in psychology*, 12, 738170. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.738170>
- Pirc, T., Pečjak, S., Podlesek, A., & Štirn, M. (2023). Perceived Parenting Styles and Emotional Control as Predictors of Peer Bullying Involvement. *International Electronic Journal of Elementary Education*, 15(4), 333-342. <https://doi.org/10.26822/iejee.2023.304>
- Rahimi, Moradi, Karami, Jahangir. (2023). The relationship between parenting styles and depressive symptoms with the mediation of psychological inflexibility in adolescents. *Psychological Studies*. <https://doi.org/10.22051/psy.2023.43157.2766>(Text in Persian)
- Rajabi, Gholamreza and Attari, Yousef Ali. (2004). Factor analysis of questions from the Children and Adolescents Depression Questionnaire. *Counseling Research (News and Counseling Research)*, 3(9-10), 83-102. (Text in Persian)
- Salavera, C., Usán, P., & Quilez-Robres, A. (2022). Exploring the effect of parental styles on social skills: the mediating role of affects. *International Journal Of Environmental Research and Public Health*, 19(6), 3295. <https://doi.org/10.3390/ijerph19063295>
- Sarwar, F., Panatik, S. A., & Jameel, H. T. (2020). Does fear of terrorism influence psychological adjustment of academic sojourners in Pakistan? Role of state negative affect and emotional support. *International Journal of Intercultural Relations*, 75, 34-47 <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2020.01.002>
- Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current Opinion In Psychology*, 15, 19-25. <https://doi.org/10.1016/j.copsy.2017.02.012>
- Solbakken, O. A., & Monsen, J. T. (2021). Validation of the affect integration inventory short form (AII-SF-42). *International Journal Of Psychology And Psychological Therapy*, 21(1), 107-122. o.a.solbakken@psykologi.uio.no
- Solbakken, O. A., Rauk, M., Solem, A., Lødrup, W., & Monsen, J. T. (2017). Tell me how you feel and I will tell you who you are: First validation of the affect integration inventory. *Scandinavian Psychologist*, 2017(4: e2), 1-31. <http://dx.doi.org/10.15714/scandpsychol.4.e2>
- Tariq, A., Reid, C., & Chan, S. W. (2021). A meta-analysis of the relationship between early maladaptive schemas and depression in adolescence and young adulthood. *Psychological Medicine*, 51(8), 1233-1248. <https://doi.org/10.1017/S0033291721001458>
- Watson, D. (2000). Mood and temperament. *Guilford Press* <https://doi.org/10.1037/0033-2909.98.2.219>.
- Williams, A. L., Craske, M. G., Mineka, S., & Zinbarg, R. E. (2021). Neuroticism and the longitudinal trajectories of anxiety and depressive symptoms in older adolescents. *Journal Of Abnormal Psychology*, 130(2), 126. <https://doi.org/10.1037/abn0000638>

۲۴..... نقش میانجی تنظیم عاطفه منفی در رابطه بین سبک‌های والدگری با نشانه‌های...

- Zheng, Y., Wang, W., Zhong, Y., Wu, F., Zhu, Z., Tham, Y.-C., Lamoureux, E., Xiao, L., Zhu, E., & Liu, H. (2021). A peer-to-peer live-streaming intervention for children during COVID-19 homeschooling to promote physical activity and reduce anxiety and eye strain: cluster randomized controlled trial. *Journal Of Medical Internet Research*, 23(4), e24316. <https://doi.org/10.2196/24316>
- Zhou, H., Wang, Q., Yu, S., & Zheng, Q. (2022). Negative parenting style and perceived non-physical bullying at school: the mediating role of negative affect experiences and coping styles. *Psychological Bulletininternational Journal Of Environmental Research And Public Health*, 19(10), 6206. <https://doi.org/10.3390/ijerph19106206>
- Zuckerman, M. (1983). The distinction between trait and state scales is *not* arbitrary: Comment on Allen and Potkay's "On the arbitrary distinction between traits and states." *Journal Of Personality And Social Psychology*, 44(5), 1083–1086. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.44.5.1083>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

